

از کتاب امیرعلی لاهرودی، «بیاد مانده ها و ملاحظه ها» نشر فرقه دمکرات آذربایجان 2007-1386

## میانجیگری شوروی، آغاز عقب نشینی و جلسه محرمانه در تبریز (3 آوریل 1946)

قوام بعد از توقف طولانی در مسکو به تهران بازگشت. سادچیکف سفیر جدید شوروی نیز وارد تهران شد. قرارداد سه ماده ای میان تهران و مسکو امضا شد. مساله آذربایجان بشکل حادی در دستور روز باقی ماند.

قوام به بهانه های گوناگون از مذاکره با پیشه وری طفره میرفت. او منتظر بود ارتش سرخ از ایران خارج شود تا مذاکرات به دلخواه تهران انجام گیرد.

در عین حال پیشه وری نیز حاضر نبود مذاکرات را با شرایطی که قوام میخواست به تبریز تحمیل کند انجام دهد. از این جهت بود که از مذاکره با قوام امتناع میورزید.

**در این میان نقش واسطه گری را شوروی بعهدہ گرفت.**

قوام در مسکو از رهبران دولت شوروی خواسته بود که برای حل مساله آذربایجان از کمک معنوی دریغ نوزند. سادچیکف در تهران و نمایندگان شوروی در تبریز برای آغاز مذاکرات بین تهران و تبریز فعالیت میانجیگری خود را افزایش دادند.

## جلسه محرمانه در تبریز (سوم آوریل 1946)

پیشه وری با چهار تن از مقامات بلند پایه آذربایجان شوروی در 3 آوریل 1946 ملاقات نمود. در این ملاقات یکی از نمایندگان فوق الذکر سندی را قرائت کرد که در آن سیاست حکومت ملی آذربایجان در رابطه با وضع موجود ارزیابی میشد. پیشه وری بعد از مرور این سند واکنش تند از خود نشان داد و گفت: «رفقا! وقتی که این سند را دیدم در جلوی چشم من وقایع سال 1920 در گیلان مجسم شد. آنوقت نیز رفقای انقلابی ما را فریب دادند. آن زمان نیز مرتجعین گام به گام همه آنها را تحت تعقیب قرار دادند، نابودشان کردند. بالاخره انقلابیون برای رهایی از تعقیب به کشورهای دیگر رفتند. حالا هم همان وضع تکرار میشود. پیشه وری میگوید دولت قوام شما را فریب میدهد. افراد نزدیک به قوام دور و بر سفارت شما را در تهران گرفته اند و با گذشتهای صوری در طول زمان میخواهند پس از خروج ارتش سرخ نفوذ شما و سیاست شما را از ذهن مردم ایران بویژه مردم آذربایجان بزدایند. بعد از رفتن شما قوام قبل از همه ایرانیانی که از شوروی آمده اند و مهاجر نامیده میشوند را (تعداد آنها صد هزار است) سرکوب خواهند نمود و یا به تبعیدگاه خواهند فرستاد. **بعد از آنها دمکراتها و رهبران آنها را نیز با بیرحمی سرکوب خواهند نمود. در این سرکوبی ها مالکین و خانهایی که از آذربایجان فرار کرده بودند شرکت خواهند کرد.** آنها در سرکوبی دمکراتها چنان معجزه ای خواهند آفرید که تاریخ هرگز این خونریزی ها را فراموش نخواهد کرد. ما در سالهای 1941 – 1942 دیدیم که ارتجاع علیرغم حضور ارتش سرخ کودکان را میکشند، به دختران دمکراتها تجاوز میکردند. در روز روشن و در ملا عام دماغ و گوش و لب آنها را میبریدند. بعد از خروج ارتش سرخ ژاندارمها و پلیس و دولت قوام سرکوبی را به جایی خواهند رساند که همه دمکراتها نابود شوند و رژیم ارتجاعی گذشته احیا شود. **اگر ما در مقابل دولت قوام عقب نشینی کنیم این به معنی دست کشیدن از هدف خود، دست کشیدن از اعتقادات خود و بالاخره دست کشیدن از کارهای مهم در ایران است. با این عمل خود حکومت شاه را علیه خود ترغیب میکنیم، چرا که نمیتوانم بروم و در جلوی آنها زانو بزنم. این عمل برای من تاسف آور است. من نمیتوانم این را بپذیرم. من آماده ام به خاطر منافع مردم در صحنه جنگ کشته شوم اما تسلیم نشوم.**»

پیشه وری میگوید: «از محتوای این اسناد چنین بر می آید که نهضت آذربایجان گویا مردم آذربایجان را به جهانیان شناساند. او حق تحصیل به زبان مادری در مدارس را برای کودکان آذربایجان بدست آورد و در مجموع دمکراتها هر چه میخواستند 50 صد آن را گرفتند.»

پیشه وری در این مورد میگوید: «من باید آنطور که فکر میکنم با صراحت بیان کنم و آن اینست که بعد از مدتی تنها نام خشک مردم آذربایجان در تاریخ باقی خواهد ماند. هنوز وسط کار بود یعنی در اوج نهضت من نسبت به رفقا دچار تردید شدم. این تردید بدین معنا بود که آیا شما تا آخر به ما کمک خواهید کرد یا نه؟ بطور قطعی میگویم من به شما باور ندارم، تکرار میکنم من به شما اعتقاد ندارم. من با رضایت شما دست به اصلاحات ارضی زدم. عده زیادی صاحب زمین شدند. اراضی مالکین فراری نیز میان دهقانان تقسیم شد. دیروز در مراغه بودم. به رفقای دستور دادم هر چه زودتر اصلاحات ارضی به پایان برسانند. حالا من به شکلی به آنها بگویم زمینی را که گرفته اید پس بدهید. در این صورت برای دمکراتها و حکومت ملی در مقابل روستاییان و تجار ابروریزی خواهد بود.»

پیشه وری خطاب به حاضرین گفت: باور کنید من نمیخواهم خودم را از مخصه نجات دهم. من از منافع مردم آذربایجان دفاع میکنم. شماها حکومت شاه را بخوبی نمیشناسید. حکومت شاه امروز در برابر حکومت شوروی کم و بیش عقب مینشیند. فردا از آن امتناع میورزد. مردم آذربایجان را بویژه کسانی که در نهضت دمکراتیک شرکت کرده اند سرکوب میکند. در چنین وضعی این افراد دست زن و بچه اش را میگیرند میآیند به سرحدات آذربایجان شوروی تا خود را نجات دهند. من میدانم که مرزبانان شما جلوی آنها را خواهند گرفت و آنها را مجبور خواهند نمود عقب برگردند. آنها در این حالت میان آتش دوجانبه قرار خواهند گرفت. در این صورت حوادثی رخ خواهد داد که تاکنون در تاریخ دیده نشده است. من عمیقاً درک میکنم بهتر از حاضرین در اینجا سیاست جهانی حکومت شوروی را میفهمم. حکومت شوروی بطور علنی به حکومت ملی و مردم آذربایجان در این وقایع دشوار نمیتواند کمک کند و شخصاً خواستار کمک نیست. بعد از خروج ارتش سرخ حکومت شاه ما را نه تنها روزها، ماهها بلکه سالها بشکل حيله گرانه تعقیب خواهد نمود. ما میخواهیم شرافتمندانه کشته شویم تا جهانیان ببینند که آذربایجانی از جمله فرقه دمکرات و حکومت ملی آذربایجان نه از ترس تن به نابودی داد، بلکه در نبرد سنگین برای آزادی خود جان باختند. بدین سبب برای ما لازم است بعد از خروج ارتش سرخ شما به امور داخلی ایران مداخله نکنید. ما اهالی روستاها و شهرهای آزاد شده را بوسیله فداییان و نیروهای مسلح بسیج میکنیم. برای دفاع آذربایجان از تهاجم حکومت ارتجاعی شاه بپا میخیزیم. ما میتوانیم همه نیروهای خود را جمع کنیم و با تمام نیروهای دمکراتیک ایران متحد شویم به تهران حمله نموده حکومت شاه را سرنگون کنیم و در ایران حکومت دمکراتیک سر کار آوریم آنوقت راه آزادی برای آذربایجان باز خواهد شد.»

پس از پایان سخنان پیشه وری یکی از حاضرین از پیشه وری پرسید اگر قوام خود برای مذاکره به شما مراجعه کند شما آنرا رد خواهید کرد؟ آیا امتناع از مذاکرات معنی دارد؟

پیشه وری: «من از مذاکرات امتناع نمیکنم. من باید با تصمیم مجلس این مسئولیت را به عهده بگیرم. مجلس باید کمیسیونی تشکیل دهد و آنها را برای مذاکرات بفرستد. محل مذاکره بهتر است که تبریز و یا شهر میانه انتخاب شود. محل مذاکره برای قوام تاثیر گذار خواهد بود. در این مذاکرات شبستری رییس مجلس، جاوید وزیر کشور، پادگان رهبر فرقه دمکرات آذربایجان شرکت نمایند. اگر مذاکرات نتیجه مثبت نداشته باشد و حکومت تهران بخواهد مساله آذربایجان را از طریق اعمال فشار حل کند از یکطرف، نظر شما مبنی بر حل صلح آمیز مساله از طریق گذشت در برابر حکومت ایران از طرف دیگر، در این صورت برای من و رهبران دیگر فرقه دمکرات آذربایجان و حکومت ملی اجرای آن مشکلتر خواهد بود. در چنین حالتی ما میتوانیم نمایندگان دیگری از میان حکومت ملی و فرقه دمکرات برای مذاکره انتخاب کنیم تا در مذاکرات با قوم شرکت نمایند و ما رهبران سرشناس اگر شوروی نباشد بجای دیگری و شاید به بلغارستان منتقل شویم. در عین حال اجازه دهید 200 خانواده فعالان نهضت دمکراتیک به اتحاد شوروی بروند و در آنجا با کار و زندگی مشغول شوند و خود را برای آینده آماده نمایند.»

پیشه وری به حاضرین مراجعه نمود و گفت: «من میدانم و عمیقاً اعتقاد دارم رهبران آذربایجان شوروی قلباً خواهان حمایت مسلحانه از حکومت ملی آذربایجان هستند و نمیخواهند به اعتبار خود صدمه وارد شود. اما وضع کنونی به اتحاد شوروی دیکته میکند در مقابل قوام السلطنه برخی گذشتها را بپذیرد.»

من چطور میتوانم در برابر قوام سکوت کنم و صدها هزار آذربایجانی را قربانی کنم. این برای من مشکل است و خیلی سنگین است. من بار دیگر اعلام میکنم که نمیتوانم اینکار را بکنم. بگذار هر کس به هر جا که میخواهد برود. من اینجا خواهم ماند، از منافع و سرنوشت آذربایجان دفاع خواهم کرد و در صحنه نبرد خواهم مرد.»

سوال دوم یکی از حاضرین مبنی بر اینکه اگر مذاکرات برای حل مسالمت آمیز انجام گیرد گذشت‌های شما از چه قبیل خواهد بود، آیا گذشت‌ها حد و حدودی دارد؟

پیشه وری پیشنهادت خود در این مورد را به شرح زیر مطرح نمود.

1 – پذیرفتن خودمختاری بشکل انجمن

2 – داشتن ارتش خود و فرماندهان آن با تبعیت از ستاد ارتش ایران در شرایط خاص ارتش آذربایجان در دفاع از تجاوز دشمنان خارجی شرکت کند اما از درگیریهای داخلی کنار بماند.

3 – آذربایجان نظم داخلی را بوسیله پلیس خود برقرار میکند. برای اینکار ژاندارم و یا نیروی مسلح دیگر از تهران فرستاده نشود.

4 – کارهای اداری به زبان آذربایجانی باشد و مکاتبات با مرکز به زبان فارسی خواهد بود.

5 – تا کلاس 3 تدریس بزبان آذربایجانی و از کلاس سه به بالا فارسی نیز تدریس میشود.

6 – اراضی دولتی تقسیم شده در دست روستاییان میماند. اراضی تقسیم شده مالکین نیز در دست روستاییان میماند اما دولت پول آنرا به مالک میپردازد و این پول را با قسط از روستاییان دریافت میکند.

7 – تهران همه تدابیری را که حکومت ملی تاکنون انجام داده است به عنوان اقدامات قانونی قبول میکند و دمکراتها را مورد تعقیب قرار نمیدهد.

8 – تعداد نمایندگان آذربایجان در مجلس شورای ملی بر مبنای تعداد اهالی افزایش مییابد.

9 – اشخاصی که از آذربایجان بیرون رانده شده اند مجدداً به آذربایجان باز گردانده نشوند.

## جلسه محرمانه در تبریز، دیدار دوم (4 آوریل 1946)

در این دیدار علاوه بر مقامات آذربایجان شپروی، پیشه وری، شبستری، جاوید، پادگان نیز حضور داشتند.

در آغاز یکی از حاضرین (مقام شوروی) به حضار گفت: «وضع سیاسی در جهان و ایران بغرنج است. موازی با تحکیم حکومت ملی شما باید در مورد آینده نیز فکر کنید. باید حوادثی را که در آینده رخ خواهد داد دید و خود را برای آن آماده کرد. اگر لازم باشد در سیاست خود تا اندازه ای تغییراتی بعمل آورد. دولت قوام ممکن است بعد از خروج ارتش سرخ شما را برای مذاکره دعوت کند. شما میتوانید بخاطر جلوگیری از خونریزی و بنفع منافع عمومی ما در مقابل حکومت قوام در سیاست خود تخفیفی بعمل بیاورید. اکنون در این مورد در میان شوروی و حکومت تهران مذاکرات در جریان است ما میخواهیم نظر شما را در این مورد بدانیم.» شبستری حرف سخنران را قطع کرد و گفت: «آقایان ما میدانیم در ایران چه میگردد. بویژه حکومت کنونی تهران و رهبران آنرا خوب میشناسیم و به شما بمتابه برادران خونی خود تذکر میدهیم که وعده های قوام در مورد نفت دروغ است. دلیل ما اینست که در جریان هفت ماه میتواند حوادثی پیش آید و یا حکومت جدیدی سرکار آید. بدین جهت خاطر نشان میسازیم که نباید به قوام اعتماد کرد و ما نیز از موضع خود عقب نشینی نمیکنیم. ما تنها به شما اعتماد داریم و از شما خواهش میکنم تا آخر از ما پشتیبانی کنید ما سلاح را بزمین نخواهیم گذاشت. کوشش خواهیم کرد خون مردم آذربایجان ریخته نشود. در عین حال اگر به ما حمله کنند تا آخر از خود دفاع خواهیم کرد.»

پادگان – رفقا! ما به چه علت باید وارد مذاکره با حکومت تهران شویم. این مذاکرات از چه ضرورتی ناشی میشود. ما حکومت خود، حزب خود و بالاخره مردم قهرمان خود را داریم. ما در خانه خود هستیم. آقای شبستری بدرستی گفت که اگر حکومت تهران به ما حمله کند ما تا آخرین نفر با آن دست به یقه خواهیم شد. در عین حال ما هیچوقت سیاست شوروی را رد نمیکنیم. اگر ما حس بکنیم که عمل ما با اهداف سیاست شوروی در تضاد است، ما از درخواستهای خود امتناع میورزیم. اما ارتجاع منتظر است که آخرین سرباز شوروی از ایران خارج شود، آنوقت دیوانه وار علیه ما حمله کند. عملیات تدافعی ما به هیچ شکلی ارتباطی با سیاست شوروی در رابطه با حکومت قوام ندارد.

دکتر جاوید – رفقا، اگر سخن بر سر آنست که از خونریزی جلوگیری شود. مساله از طریق مسالمت آمیز حل شود به شما اطمینان میدهم که در نهایت خون ریخته خواهد شد، ده بار بیشتر از آن که ما فرض میکنیم. چرا؟ برای اینکه نمیتوانیم دروغهای قوام را قبول کنیم. او آماده است همه مسائل را با ما از طریق صلح حل نمایند. اما بعد از خروج ارتش سرخ به هر طریقی که باشد حکومت ملی ما را از بین خواهد برد. من آماده هستم با فداییان دلاور خودمان دست به عملیات پارتیزانی بزنم بنابر این من به خود اجازه نمیدهم از حکومت ارتجاعی تبعیت کنم. ما به هیچ وجه نمیتوانیم از موضع خود عقب بنشینیم. این عمل در میان اعضای فرقه دمکرات و نیروهای مسلح ما تزلزل بوجود خواهد آورد. ما باید تا آخر مبارزه کنیم. شما بهتر میدانید که اگر حکومت انگلیس به حکومت قوام کمک نکند ما نمیتوانیم به تهران حمله کنیم و حکومت را سرنگون کنیم، حکومت دمکراتیک سرکار آوریم. آنوقت مردم آذربایجان از خطر رهایی خواهد یافت.

پیشه وری سخنان همه را از جمله مقام شوروی را استماع نمود و با ظرافت کامل کوشید تمام سخنرانان را متقاعد نماید مبنی بر اینکه وضع کنونی ما را وادار میکند در سیاست حکومت ملی در قبال حکومت ایران تا اندازه ای تغییراتی بعمل آوریم. برای همین منظور ما باید خود را آماده کنیم تا غفلتا در برابر پیشامد غیر مترقبه قرار نگیریم. پیشه وری مضافاً گفت:

«من شخصا از مذاکره با حکومت قوام امتناع نمیکنم. اما باید بگویم که حکومت تهران عده ای از مالکین و خانهای بزرگ را برای حمله به حکومت ملی آذربایجان آماده میسازد. بدین سبب ما به هیچ وجه نمیتوانیم نیروهای مسلح خود را لغو کنیم و آنرا در اختیار تهران بگذاریم تا ما را استهزا و تحقیر نمایند، برعکس باید ارتش را حفظ نمود و برای مبارزه با ارتجاع آماده ساخت. اشتباه خواهد بود اگر ما با عجله با قوام وارد مذاکره شویم و با سرعت عقب نشینی کنیم. در چنین حالتی مردم آذربایجان خواهند گفت ما با سرعت حکومت ملی و نیروهای مسلح را تشکیل دادیم و در یکروز آنرا از بین بردیم آنوقت ما در مقابل مردم بی اعتبار خواهیم شد و کسی حاضر نخواهد شد با ما همراه باشد.»

پیشه وری از مقامات شوروی میپرسد: «برای ما روشن کنید باید در چه موردی گذشت کرد. در جواب گفته شد: ما نمیتوانیم بگویم در مورد کدام مساله باید گذشت کرد. بطور کلی حداکثر گذشت بنفع منافع کلی ما خواهد بود. بعبارت دیگر گذشت حداکثر موفقیت فردای ما را تضمین خواهد نمود.» (این بسی ساده لوحی و کوتاه بینی و عدم درک وضع موجود است. ا. لاهودی)

پیشه وری در پایان این دیدار میگوید: «علیرغم عدم پیشنهاد مشخص من در موقع مذاکره با حکومت تهران اصرار خواهیم کرد که آذربایجان برای برقراری نظم باید نیروهای مسلح خود، فدایی خود و شهربانی خود را داشته باشد» 5 آوریل 1946